

در اهمیت مهاجرت

عباس عبدي

برخي جوامع مهاجر فرست هستند، برخي نیز مهاجر پذيرند. همچنين برخي کشورها هر دو ویژگی را تا حدی دارند. با نهایت تأسف باید گفت که جامعه ما نه تنها در مهاجر فرستی رتبه بالایی دارد، بلکه در مهاجر پذیری نیز جایگاه مناسبی ندارد. شاید برخی این گزاره را رد کنند و به تعداد زیاد افغانستانیها و عراقیها در ایران اشاره کنند. ولی به نظر وجود آنان را در ایران نمیتوان مصداق مهاجر پذیری جامعه ما دانست. اینها بیشتر پناهنده محسوب میشوند تا مهاجر، زیرا منظور از مهاجر پذیری، روی خوش نشان دادن به کسی است که مهاجرت به کشور مقصد را پذیرفته است. کسی که در جامعه جدید میتواند رشد و ارتقا یابد و با برچسب مواجه یا محدود به انجام مشاغل پایین نشود. اگر ما جامعه مهاجر پذیری بودیم، به طور قطع تعدادی از میلیونها افغانستانی موجود در کشور به سطوح بالای حرفه‌ای در هر زمینه‌ای میرسیدند و اصولاً مشکلی به نام تابعیت و اقامت و برخوردهای غیر حقوقی نداشتند. به علاوه در جریان اخیر این کشور همه یا بیشتر نخبگانی که قصد مهاجرت داشتند باید به ایران می‌آمدند؛ نه اینکه در ایران درس خوانند و المپیادی شدند و سر از مکزیک درآوردند.

چرا مهاجرت اهمیت دارد؟ به طور معمول هر کسی که اقدام به مهاجرت میکند، دنبال يك زندگی بهتر و امکان و شرایط مطلوب‌تری است. این خواسته نشان‌دهنده ذهنیت فعال‌تر او نسبت به میانگین جامعه مبدا نیز است. به طور کلی مهاجران در جامعه مقصد، برخلاف اتباع و شهروندان عادی آن کشور، برای اثبات خود نیازمند کوشش و فعالیت بیشتری هستند و الا اگر قرار باشد که مثل افراد عادی جامعه خود باشند، نمیتوانند زندگی راحتی را در جامعه مقصد داشته باشند. البته این بدان معنا نیست که همه مهاجران چنین هستند، بلکه مجموعاً و به طور نسبی در مقایسه با جامعه مبدا و مهاجر فرست چینانند. هفته پیش فینال مسابقات تنیس حرفه‌ای زنان در نیویورک انجام شد و برخلاف انتظار و پیش‌بینیها، دو دختر نوجوان 18 و 19 ساله به فینال رسیدند که جوان بودن آنان موجب تعجب ناظران شد. ولی مهم‌تر از جوان بودن سابقه زندگی آنان بود که از نسل مهاجران هستند. نفر اول دختری 18 ساله، به نام اِما رادوکانو در تورنتو

کانادا از پدری اهل رومانی و مادری چینی متولد شده است. نفر دوم دختری 19 ساله به نام لیلیا فرناندز در مونتریال کانادا متولد شده، پدرش اهل اکوادور و مادرش از فیلیپینی تبارهای کانادا است. سیال بودن نیروی انسانی چنین دستاوردی دارد. یک مرد اهل رومانی با یک زن چینی در کانادا ازدواج می‌کنند، فرزند دختری را در آنجا به دنیا می‌آورند. دوباره از کانادا به انگلستان مهاجرت می‌کنند. کودکشان از 5 سالگی به بازی تنیس مشغول می‌شود. در 18 سالگی قهرمان بزرگ‌ترین مسابقات تنیس حرفه‌ای زنان می‌شود. مقامات انگلیس به این قهرمانی افتخار می‌کنند و برایش پیام تبریک می‌فرستند. نفر دوم نیز از پدری اهل اکوادور در امریکای لاتین و مادر فیلیپینی در کانادا متولد می‌شود و در 17 سالگی قهرمان تنیس نوجوانان می‌شود و اکنون در 19 سالگی در فینال این مسابقات نفر دوم می‌شود و چندین قهرمان مشهور تنیس را تا پیش از رسیدن به فینال شکست می‌دهد.

ورزش وضعیت به نسبت روشنی دارد که موفقیت در آن قابل سنجش است. در حالی که موفقیت‌های مهاجران نه فقط در ورزش بلکه در همه زمینه‌ها وجود دارد. نمونه آن مریم میرزاخانی بود. این موفقیت برای مهاجران زن، به ویژه در جوامعی که زنان امکان کمتری برای رشد دارند، برجسته‌تر است. جامعه قدرتمند، جامعه‌ای است که به راحتی می‌تواند دیگران را پذیرا باشد و در فرهنگ خود امکان حضور و ارتقا را در دسترس آنان قرار دهد. آن دسته از جوامع غربی که با حضور مهاجران مخالفت می‌کنند، در نهایت و به لحاظ اقتصادی از جوامع مهاجرپذیر عقب می‌افتند. مهاجرت حتی می‌تواند مشکلات جمعیتی این جوامع را کاهش دهد. یکی از علل استقبال جوامع اروپایی از پناهندگان سوریه‌ای همین نکته بود. البته مهاجرت مشکلات خاص خود را هم دارد.

ولی کدام پدیده است که یکسره خیر باشد؟ همه پدیده‌ها کمابیش واجد نتایج مثبت و منفی هستند و باید کوشید که آثار مثبت آنها را بیشتر کرد و عوارض منفی را کاهش داد. اصولاً یکی از ویژگی‌هایی که برای ایران ذکر می‌شود، قدرت تمدنی آن است که ناشی از وجود تنوع فرهنگی و رفت و آمدهای اقوام و ملل گوناگون در آن است. هنگامی که معده فرهنگی کشوری قوی باشد، به راحتی می‌تواند هر فرهنگ دیگری را در خود هضم و به خوراکی مناسب برای سلول‌های تمدنی خود تبدیل کند. به‌طور کلی باید درباره این پدیده بیشتر گفت‌وگو کرد و مردم و حکومت را به ضرورت بازنگری در این ویژگی منفی فراخواند. این ویژگی منفی ما محصول قرن اخیر است و در گذشته ایران کمتر دیده شده است.

□□□□□□ 1400 □□□□□□ 30 □□□□□□ □□□□□□:□□□□